**( 145 )**

**هو الابهی الابهی**

ای سلیل آنشخص جلیل و حفید آن بزرگوار فرید نامه‌ات رسید و ناله زارت تأثیر شدید نمود چرا سرگشته و برگشته روزگاری استغفر الله آغشته بمحبت پروردگاری و سرشته طینت بموهبت آمرزگار جمال مبارک روحی لاحبائه الفدا نهایت عنایت را در حق جد بزرگوار داشته و در الواح مقدسه تمجید از او فرموده همواره بلسان مبارک منعوت و موصوف بود که آنشخص شهیر در قرن ثالث عشر هجری امیر اقلیم تدبیر بود و دبیر بیمثل و نظیر حتی در وقت ذکر او بشاشت از وجه مبارک ظاهر که این دلالت بر نهایت عنایت مینمود شکر کن که سراج او را روشن نمودی و سلاله او را شمع انجمن کردی در جنت ابهی لانه نمودی چگونه از آشیانه دوری و پرتوی از عزت ابدیه بر سر داری چگونه در صحرای مذلتی نامه‌های آنجناب از قبل و بعد جمیع ملاحظه گشت ولی جواب مشروط بوقت مرهون بود از فضل بدیع رب مجید امید است که آنچه آمال و آرزوی آن یار مهربان است میسر گردد و آنچه لازمه آنجناب است اینست که بخدمت امر پردازی ولو بسوزی و بگدازی تا کشت آن بهشتی سرشت را آبیاری نمائی و باغ امید آن بزرگوار را پر طراوت و لطافت و اثمار بنمائی صلح و صلاح آفاق جو و دوستی و آشتی و ارتباط و اتحاد بهر اهل امکان طلب سبب سرور و حبور باش و علت حشر و نشور جام پیمان بدست گیر و از بزم الست خبر ده دام محبت الله در این بحر بی‌پایان بینداز و ماهیان حقیقت را بشست آر گلبانگ توحید بلند کن و آهنگ سروش ملأ اعلی بشنو ندای جمال ابهی را از ملکوت غیب استماع کن و بصوت تهلیل و تکبیر ملکوت وجود را بحرکت و نشاط آر چنین موهبتی از برایت میسر چرا خود را پریشان و مخذول و مکدر بینی از وجد و سرور پرواز کن و ببشارات ملکوت ابهی دمساز شو و علیک التحیة و الثنآء (ع ع)